

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۲ (بهار و تابستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۱۹۱ - ۲۰۹

ساخت‌های تشبیهی در زبان فارسی

عبدالرضا قوامی^۱، پریسا نجفی^{۲*}

۱. استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.

چکیده

مفهوم مقایسه در نظام شناختی ما می‌تواند در قالب ساخت‌های گوناگونی مجال بروز یابد. یکی از ساخت‌هایی که به وسیله آن می‌توان بین دو (یا چند) گروه ارجاعی رابطه مقایسه برقرار کرد، «ساخت‌های تشبیهی» هستند. در این گونه ساخت‌ها یک گروه ارجاعی که معیار نام می‌گیرد، دارای یک ویژگی / صفت در حد اعلاء می‌باشد و گروه ارجاعی دیگر به سبب داشتن همان ویژگی / صفت به آن (معیار) تشبیه می‌شود. در پژوهش حاضر بر مبنای آرا و روش‌شناسی هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) به تحلیل داده‌های زبان فارسی پرداخته می‌شود. این داده‌ها به تعداد ۷۳۹ نمونه، به طور عمده از داستان‌های معاصر و فیلم‌نامه‌ها تهیه شده‌اند. یافته‌ها مؤید آن است که گویشوران به طور کلی از دو راهبرد ساخت‌واژی و نحوی برای رمزگذاری مفهوم تشبیه در زبان استفاده می‌کنند. در راهبرد ساخت‌واژی می‌توان به سه گونه ساخت‌های تشبیهی با ادات تشبیهی، محمول تشبیهی و حالت تشبیهی قائل بود. در سطح نحو نیز عبارت‌ها و بندهایی وجود دارند که در حکم افزوده برای بند اصلی مفهوم تشبیه را به کل ساخت اضافه می‌کنند و شامل ساخت‌های گسیخته، عبارت‌های نقشی، بند تشبیهی، بند تشابهی و بند توافقی می‌شوند. همچنین، در این پژوهش دو نوع ساخت همسانی در زبان فارسی شناسایی شدند که در دیگر پژوهش‌ها مغفول مانده بود.

واژه‌های کلیدی:

راهبرد ساخت‌واژی

راهبرد نحوی

ساخت تشبیهی

ساخت همسانی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۸ فروردین‌ماه ۱۴۰۲

پذیرش: ۲۶ فروردین‌ماه ۱۴۰۲

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: p.najafi2060@gmail.com

۱. مقدمه

مقایسه از جمله مفاهیمی است که در نظام شناختی ما جای دارد و به شیوه‌های گوناگون در زبان رمزگذاری می‌شود. مفاهیم مختلفی از جمله قیاس به تشبیه^۱، برتری^۲، برترین^۳ و غیره در قالب انواع ساخت‌های زبانی بیان می‌شوند که از میان آن‌ها می‌توان به ساخت‌های تشبیهی^۴ و همسانی^۵ اشاره داشت. این ساخت‌ها در مقایسه با دیگر ساخت‌های مقایسه‌ای کم‌تر مطالعه شدند. ساخت‌های تشبیهی مبین موقعیتی هستند که در آن یک گروه ارجاعی (از این پس گ.ا.) به جهت وجود یک ویژگی به گ.ا. دیگر که در جایگاه معیار است تشبیه می‌شود. برای نمونه در مثال (۱) ضمیر (او) به جهت شیوه خواندن به معیار (بلبل) تشبیه شده است. در این ساخت‌ها عمدتاً یک ادات تشبیه (مثل) و معیار (بلبل) وجود دارد که نقش قید حالت^۶ را برای محمول ایفا می‌کنند (هسپلمت^۷ و باخهولتز^۸، ۱۹۹۸).

(۱) او مثل بلبل می‌خواند.

(۲) سارا به بلندقدی مریم است.

در کنار ساخت‌های تشبیهی می‌توان به ساخت‌های همسانی نیز اشاره داشت که به جهت ساختاری و معنایی شباهت زیادی به ساخت‌های تشبیهی دارند و تنها می‌توان نوع مقایسه در آن‌ها را موجب تمایز این دو ساخت دانست. در مثال (۲) هر دو گ.ا. (مریم و سارا) به جهت میزان/اندازه همسان از یک ویژگی (بلندقدی) با هم مقایسه شده‌اند. دو کلیدواژه «شیوه» و «میزان/اندازه» نقش اصلی در تشخیص دو ساخت تشبیهی و همسانی ایفا می‌کنند. در ساخت‌های تشبیهی مقایسه به جهت شیوه یا حالت است، در حالی که در ساخت‌های همسانی مقایسه به جهت اندازه یا میزان است. بر اساس مطالب مطرح‌شده، در پژوهش حاضر به بررسی انواع ساخت‌های تشبیهی در زبان فارسی پرداخته می‌شود و از این رهیافت نیز برخی ساخت‌های همسانی معرفی می‌شوند که در دیگر پژوهش‌ها بدان‌ها اشاره نشده است. در این راستا به طور عمده از آرای روش‌شناسی هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) و نوسه^۹ (۲۰۰۹) بهره برده می‌شود. بر این اساس، در پژوهش حاضر به دو سوال پاسخ داده می‌شود که در زبان فارسی چه راهبردهایی برای رمزگذاری ساخت‌های تشبیهی وجود دارد و ترتیب عناصر اصلی در ساخت‌های تشبیهی به چه صورت است.

¹ simile

² comparative

³ superlative

⁴ similitive

⁵ equative

⁶ Manner adverbial

⁷ M. Haspelmath

⁸ O. Buchholz

⁹ M. Nose

گفتنی است داده‌های پژوهش حاضر متشکل از ۷۳۹ ساخت تشبیهی و همسانی از زبان فارسی هستند که به طور عمده از داستان‌های معاصر، فیلم‌نامه‌ها و فرهنگ عامیانه زبان فارسی (نجفی، ۱۳۷۸) استخراج شده‌اند. کتاب‌های مذکور به صورت الکترونیکی هستند و قابلیت جست‌وجو دارند. جست‌وجوی نمونه‌ها بر اساس کلیدواژه‌ها (ادات تشبیهی) انجام شده است. بر این اساس، در ادامه پس از بیان پیشینه پژوهش، چارچوب نظری معرفی و سپس به تحلیل داده‌ها و بیان نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در یک دسته‌بندی کلی، پژوهش‌های مربوط به ساخت‌های مقایسه‌ای و گونه‌های مختلف آن را می‌توان در دو دسته مطالعات سنتی و مطالعات نوین جای داد. دسته نخست مطالعاتی را شامل می‌شوند که اغلب در خلال دستوره‌های نوشته‌شده درباره زبان فارسی ارائه می‌شوند. در این پژوهش‌ها اغلب پس از تعریف مقوله صفت، به بیان انواع صورت‌های قیاسی چون ساخت‌های برتر (تفضیلی)، برترین (عالی) و تشبیه پرداخته می‌شود؛ گاهی نیز تحت عناوینی دیگر، آنچه ساخت‌های همسانی می‌نامیم، بررسی می‌شود.^۱ اما در دسته دوم تمرکز بر انواع ویژگی‌های معنایی و ساختاری ساخت‌های مقایسه‌ای و انواع آن در قالب رویکردهای جدید است که اغلب نیز بر اساس تعمیم‌های ارائه‌شده در پژوهش‌های رده‌شناختی ارائه می‌شوند.

شریعت (۱۳۶۷) چنین بیان می‌دارد که صفت از نظر مقایسه در چهار دسته صفت مطلق، صفت متساوی، صفت تفضیلی و صفت عالی جای می‌گیرد. در نزد وی صفت مطلق صفتی است که در آن مقایسه‌ای به عمل نیامده باشد و نشانه‌هایی چون «تر» یا «ترین» به همراه آن نباشد، مانند: خوب، بزرگ، کوچک و غیره. صفت متساوی همانند صفت مطلق است جز این که نشانه‌ای (چون، مانند، مثل، به اندازه، به قدر و غیره) میان دو موصوف وجود دارد که بیان‌گر تساوی و برابری آن صفت است، مثل: تقی مانند حسن خوب است یا تقی همان قدر خوب است که حسن. اگر در آخر صفت مطلق نشانه «تر» اضافه شود به صفت تفضیلی تبدیل می‌شود و صفتی است که میان دو واحد مقایسه شود، مانند: پرویز کوچک‌تر از حسن است. اگر در آخر صفت تفضیلی «ین» افزوده شود تبدیل به صفت عالی می‌شود، مانند: بزرگ‌ترین، بهترین. این صفت را در موقعیتی می‌برند که قصد داشته باشند چند واحد که دارای یک صفت باشند را با هم مقایسه کنند و یکی را از میان آن‌ها بر دیگران در آن صفت ترجیح و برتری دهند.

^۱ برای اطلاع پیرامون ساخت‌های همسانی در پژوهش‌های سنتی به بخش پیشینه در پژوهش معزی‌پور و نجفی (۱۴۰۱) و نجفی و رحیمیان (۱۴۰۰) مراجعه کنید.

ماهوتیان^۱ (۱۹۹۷) در توصیف آن‌چه که بندهای مقایسه‌ای^۲ می‌نامد چنین بیان می‌دارد که بندهای مقایسه‌ای به عنوان افزوده‌های بند اصلی عمل می‌کنند و پیش از بند اصلی ظاهر می‌شوند؛ مانند: به قدری که تو می‌خواهی من نمی‌خواهم. / این قدر که تو ورزش می‌کنی من نمی‌کنم. واژه‌های «این قدر که» یا «قدری که» نشانگر بندهای قیدی مقایسه‌ای هستند. وی (۱۹۹۷) همچنین از بندهای همسانی^۳ صحبت به میان می‌آورد و عبارت‌هایی چون به قدری و به قدر را نشان‌گر بندهای همسانی معرفی می‌کند؛ مانند: جهان به قدر بهمن زور داره.

میس^۴ (۲۰۰۳) نیز پس از ارائه دسته‌بندی‌های متداول از ساخت‌های تفضیلی و عالی به عنوان ساخت‌های مقایسه‌ای، قیاس همسانی^۵ را مطرح می‌کند. در این نوع ساخت‌ها دو گروه اسمی به سبب داشتن ویژگی همسان با یکدیگر مورد قیاس قرار می‌گیرند، مانند: / این به تندی آن است. همچنین نویسندگان صحبت از بندهای حالت^۶ به میان می‌آورد که به نوعی نیز با موضوع پژوهش حاضر در ارتباط است. بندهای حالت بیانگر چگونگی انجام فعل اصلی هستند و به عبارتی دقیق‌تر نقش قید را برای محمول اصلی ایفا می‌کنند. این بندها با نشانگرهایی چون مثل این‌که، گویی، انگار و غیره همراه هستند؛ مانند: طوری صحبت می‌کرد مثل اینکه من را خوب می‌شناخت. دیگر پژوهش‌ها (مانند ارژنگ، ۱۳۵۰؛ فرشیدور، ۱۳۸۸ و...) نیز مطالب کم و بیش یکسان پیرامون ساخت‌های مقایسه‌ای ارائه داده‌اند.

در خصوص مطالعات اخیر پیرامون ساخت‌های مقایسه‌ای می‌توان به معزی‌پور و نجفی (۱۴۰۱) اشاره داشت. در این پژوهش نویسندگان بر مبنای آرای هسپلمت (۲۰۱۷) و نوسه (۲۰۰۹) به بحث و بررسی انواع ساخت‌های تشبیهی و همسانی در گویش لری سیلاخوری می‌پردازند. این گویش در منطقه سیلاخور لرستان [که شامل شهرهای دورود و بروجرد است] رواج دارد. نویسندگان چنین اذعان می‌دارند که گویشوران لری سیلاخوری به طور عمده از سه راهبرد برای بیان مفهوم تشبیه استفاده می‌کنند. راهبرد نخست استفاده از ادات تشبیهی است:

3) Mi-a-f-š.م.ش. / i/ mese.ن.م. zay-ان.معیار

بست.ملکی (۳.ش.م) -ن.ج-موف.ر (۳.ش.ج) زاغ مثل (ا.ت) واژه

موهایش مثل زاغ هستند.

راهبرد دوم عدم کاربرد ادات تشبیهی است:

4) ?o.م.ش. ke kolan gow.معیار e:-a.

ف.ر. (۳.ش.م) ت.ن. گاو کلا که ۳.ش.م

¹ S. Mahootian

² comparative clauses

³ equative clauses

⁴ J. Mace

⁵ equal comparison

⁶ clauses of manner

اون که کلا (مثل) گاو (نفهم) است.

راهبرد سوم نیز استفاده از فعل تشبیهی مانند رفتن، بردن و غیره است:

5) kor معیار xojن. م. va. ش. kor

۳.ش.م-نقلی ساز (نمود کامل) - بردن ض.ا-۳.ش.م.ح.ا-با پسر

پسر به خودش (پدرش) رفته است.

نویسندگان در ادامه نیز بر اساس داده‌ها هشت نوع راهبرد برای رمزگذاری مفهوم همسانی در لری سیلاخوری معرفی می‌کنند. به علاوه، یافته‌های آن‌ها بیان‌گر آن است که در گویش سیلاخوری گرایش مبنی بر حذف پارامتر در هر دو گونه ساخت تشبیهی و همسانی وجود دارد. نجفی و رحیمیان (۱۳۹۹) بر مبنای رویکرد هسپلمت (۲۰۱۷) به بحث و بررسی پیرامون ساخت‌های همسانی در زبان فارسی می‌پردازند. هسپلمت (۲۰۱۷) بر مبنای مطالعات رده‌شناختی مجموع شش نوع غالب ساخت همسانی در زبان‌ها را مطرح می‌کند و در نهایت سه تعمیم کلی پیرامون ساختار ساخت‌های همسانی معرفی می‌کند. نجفی و رحیمیان (۱۳۹۹) بر اساس داده‌های گفتاری زبان فارسی هفت گونه ساخت همسانی در زبان فارسی را معرفی می‌کنند. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که ساختار زبان فارسی در جهت تأیید تعمیم‌های مطرح‌شده عمل می‌کند.

نجفی و همکاران (۱۴۰۱) به مطالعه انواع ساخت‌های همسانی در زبان ترکی (آذربایجانی) بر اساس آرا و روش‌شناسی هسپلمت (۲۰۱۷) می‌پردازند. یافته‌های آنان مؤید آن است که می‌توان قائل به پنج راهبرد اصلی در رمزگذاری ساخت‌های همسانی در زبان ترکی آذربایجانی بود. ایمانی (۱۴۰۰) به بررسی رده‌شناختی «ساخت‌های مقایسه‌عالی» در زبان فارسی بر اساس آرای استاسن^۱ (۱۹۸۵) و نوسه (۲۰۱۰) می‌پردازد. وی پس از تحلیل انواع راهبردهای ساخت‌واژی-نحوی در رمزگذاری ساخت‌های عالی در زبان فارسی راهبردهای غالب را معرفی می‌کند. راهبردهای مذکور به دلیل وجود ساخت اضافه و ترتیب واژگانی آزاد دارای تنوع مختلفی هستند. از نتایج این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره داشت که ساخت‌های مقایسه‌عالی در زبان فارسی اکثراً از نوع «مکانی» هستند و دسته‌بندی‌های استاسن و نوسه نیز کفایت لازم و کافی جهت تبیین داده‌های فارسی را نداشته و به همین جهت باید بازنگری شوند. ایمانی (در دست چاپ) بر مبنای رویکرد شناختی هاینه^۲ (۱۹۹۷) به بررسی طرحواره‌های ساخت مقایسه‌عالی و رمزگذاری ساخت‌واژی-نحوی این مفهوم در زبان فارسی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زبان فارسی برای بیان مفهوم مقایسه‌عالی از پنج طرحواره اصلی شامل: ۱. طرحواره اتصالی، ۲. طرحواره مالکیت، ۳. طرحواره برابری، ۴. طرحواره نام‌اندازی و ۵. طرحواره اصطلاحی و همچنین از سه زیرطرحواره فرعی و نیز طرحواره‌های آمیخته (ترکیبی از دو یا چند طرحواره) بهره می‌گیرد. ایمانی (در دست

¹ L. Stassen

² B. Heine

چاپ) معتقد است برخی از این طرحواره‌ها مختص زبان فارسی هستند که از موارد مورد مطالعه هاینه (۱۹۹۷) دور مانده‌اند؛ در نتیجه چارچوب پیشنهادی هاینه کفایت لازم و کافی را ندارد. وی (در دست چاپ) در خصوص مؤلفه‌های ساختوازی-نحوی نیز چنین بیان می‌دارد که نشانگر درجه، نشانگر استاندارد و حتی استاندارد در زبان فارسی اجباری نیست و مفهوم مقایسه‌ی عالی به وسیله‌ی عنصر/ عناصری رمزگذاری می‌شود که این مؤلفه‌ها را با یکدیگر ادغام می‌کند.

۳. چارچوب نظری

همان‌گونه که در بخش (۱) نیز اشاره شد، چارچوب نظری این پژوهش را آرا و روش‌شناسی هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) و نوسه (۲۰۰۹) شکل می‌دهند. به همین جهت در بخش حاضر به توصیف پژوهش‌های بیان‌شده پرداخته می‌شود. هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) به توصیف ساخت‌های همسانی و تشبیهی می‌پردازند و در این راستا بر اساس پیکره‌ای متشکل از داده‌های ۴۷ زبان اروپایی و غیراروپایی انواع راهبردهایی را ارائه می‌دهند که پویس‌وران زبان‌های مذکور در جهت بیان مفاهیم همسانی و تشبیه به کار می‌برند. ساخت‌های همسانی اشاره به موقعیتی دارند که در آن مقایسه‌ای بین دو گ. ا. صورت می‌گیرد که بر اساس آن هر دو مرجع دارای میزان همسانی از یک ویژگی مورد نظر هستند؛ مثال (۶) از زبان لهستانی نمونه‌ای از این ساخت است:

6) Robert jest *tak samo* wysoki *jak* Maria.

Robert is so same tall how Maria

'Robert is as tall as Maria.' (Haspelmath & Buchholz, 1997: 277)

ساخت‌های تشبیهی موقعیتی را رمزگذاری می‌کنند که در آن یک گ. ا. به جهت وجود یک ویژگی به گ. ا. دیگر تشبیه می‌شود، چنان‌که در مثال از زبان آلبانیایی^۲ مشاهده می‌شود:

7) Fatmir kendon *si* bilbil.

Fatmir sings how nightingale

'Fatmir sings like a nightingale.' (Haspelmath & Buchholz, 1997: 277)

اگرچه در نگاه نخست هر دو ساخت همسانی و تشبیهی مشابه می‌نمایند، اما با دیدی ژرف‌تر می‌توان وجه تمایز آن‌ها را مشخص کرد. در مثال (۶) به عنوان یک ساخت همسانی، هر دو گ. ا. (Maria و Robert) دارای اندازه یا میزان همسانی از ویژگی (tall) هستند. در حالی که در مثال (۷) به عنوان یک ساخت تشبیهی، هر دو مرجع (Fatmir & bilbil) به یک شیوه ویژگی مورد نظر (sing) را دارند. در واقع در ساخت‌های همسانی قیاس به جهت اندازه است (کمیت) و در ساخت‌های تشبیهی، قیاس به جهت شیوه یا چگونگی انجام (کیفیت) است. هر ساخت تشبیهی یا همسانی دارای اجزایی است که در مثال (۸) مشاهده می‌شود.

¹ Polish

² Albanian

8) My sister is as pretty as you

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

معيار ن. م پارامتر ن. پ م. ش

در مثال (۸) عناصر اصلی سازنده یک ساخت همسانی یا تشبیهی مشاهده می‌شود. عناصری چون پارامتر^۱، معیار^۲ و مقایسه‌شونده^۳ (م. ش.) عمدتاً به طبقه باز واژگان تعلق دارند. دیگر اجزا مانند نشانگر معیار^۴ (از این پس ن. م.) و نشانگر پارامتر^۵ (از این پس ن. پ.) نیز تکواژهای آزاد یا وابسته هستند و عناصری نقشی^۶ تلقی می‌شوند و تقریباً در همه زبان‌ها جایگاه ثابتی دارند. پارامتر، ویژگی یا صفتی است که مقایسه بر مبنای آن صورت می‌گیرد و اغلب نیز در قالب مقوله صفت ظاهر می‌شود. معیار، گ. ا. است که م. ش. به جهت وجود پارامتر با آن مورد مقایسه قرار می‌گیرد. ن. م. تکواژی وابسته یا آزاد است که با معیار تداعی می‌شود و به جهت ساختاری نزدیک‌ترین جایگاه نسبت به معیار را دارد. به همین شیوه نیز ن. پ. دارای نزدیک‌ترین جایگاه به پارامتر است و با آن تداعی می‌شود. زبان‌ها در کاربرد انواع عناصر مطرح‌شده در ساخت‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. برای نمونه در ساخت (۹) پارامتر (سفیدی/ رنگ‌باختگی) حضور آشکار ندارد و مخاطب به صورت تلویحی آن را از بافت دریافت می‌کند یا آن‌که آن را به صورت پیش‌فرض در ذهن خود دارد.

۹) صورتش مثل گچ شده بود.

هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) بر اساس نوع و جایگاه ن. م. در ساخت‌های تشبیهی در انواع زبان‌ها گونه‌های مختلفی از ساخت‌های مذکور را ارائه می‌دهند. انواع ساخت‌های تشبیهی مورد نظر به صورت منسجم‌تر در آرای نوسه (۲۰۰۹) به چشم می‌خورد که در ادامه پیرامون هر یک توضیح داده خواهد شد.

الف. ساخت تشبیهی با ادات^۷: در این نوع ساخت‌های تشبیهی تکواژ آزاد دستوری وجود دارد که معنای آن برابر با چگونه/ *how* است و نقش ضمیر موصولی را در زبان‌ها ایفا می‌کند. این تکواژ گاه در اثر فرایند دستوری‌شدگی^۹ معنای اصلی را از دست داده و تنها به عنوان یک ادات دستوری در ساخت‌های تشبیهی به عنوان ن. م. کاربرد دارد.

10) Robert schwimmt wie eine Ente.

1 parameter

2 standard

3 comparee

4 standard marker

5 parameter marker

6 functional element

۷ هسپلمت (۲۰۱۷) به جای نشانگر پارامتر از نشانگر اندازه (degree marker) استفاده می‌کند اما مفهوم هر دو یکی است.

8 particle

9 gramaticalization

Robert swims how(like) a duck
'Robert swims like a duck.' (Haspelmath & Buchholz, 1997: 278)
در مثال (۱۰) از زبان آلمانی همان‌گونه که مشاهده می‌شود، *wie* ضمیر موصولی است که در ساخت تشبیهی معنای اصلی خود را از دست می‌دهد، به عنوان ن. م. عمل می‌کند و بیانگر ادات تشبیه است.
ب. ساخت تشبیهی با ادات تشبیهی^۱: این گونه ساخت‌های تشبیهی ادات تشبیهی (ن. م.) وجود دارد که مبنای صفتی دارند. این ادات‌ها برخلاف گونه‌های (الف) هنوز معنای واژگانی خود (شبهه‌بودن، همانندبودن) را نیز حفظ کرده‌اند. در هریک از مثال‌های (۱۱) و (۱۲) به ترتیب از زبان سوئیسی^۲ و ارمنی^۳ ادات تشبیهی که در واقع ن. م. است می‌تواند پیش از معیار (به صورت پیش‌افزوده) یا پس از معیار (به صورت پس‌افزوده) ظاهر شود:

11) Hans skriver *som sin syster*.

he writes like his sister

'He writes like his sister.' (Haspelmath & Buchholz, 1997: 313)

12) Na grum e ir k'roj *nman*.

he writing is his sister like

'He writes like his sister.' (Haspelmath & Buchholz, 1997: 314)

پ) ساخت‌های تشبیهی دارای «حالت تشبیهی^۴»: در این نوع ساخت تشبیهی، معیار مشخصاً دارای یک تکواژ دستوری است که مبین حالت تشبیهی است. این نوع ساخت‌ها به طور خاص در زبان مجارستانی^۵ یافت می‌شوند. مثال‌های (۱۳) و (۱۴) برگرفته از زبان مجارستانی هستند. در مثال (۱۳) ساخت تشبیهی با ادات تشبیهی *mint* مشاهده می‌شود و در مثال (۱۴) ساخت تشبیهی دارای حالت تشبیهی است که در قالب تکواژ *ként* نمایان می‌شود.

13) Úgy dolgozik, mint rabszolga

Thus work-he STM(like) slave

"He works like a slave"

14) Rabszolga-ként dolgozik

Slave-ESS work-he

"He works like a slave."

مفهوم تشبیه علاوه بر بندهای ساده می‌تواند در قالب ساخت‌های مرکب نیز بیان شود. در این حالت بند یا عبارت وابسته نقش افزوده یا قید را برای بند اصلی ایفا می‌کند. هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) سه نوع بند قیدی تشبیهی^۶،

¹ Particle-like

² Swedish

³ Armenian

⁴ essive

⁵ Hungarian

⁶ similative clause

توافقی^۱ و تشابهی^۲ را مطرح می‌کنند که به ترتیب در مثال‌های (۱۵) از زبان اسپانیایی، (۱۶) از زبان انگلیسی و (۱۷) از زبان سامی^۳ و ارائه می‌شوند:

15) Escribe *cotno* habla su hermano.

writes as talks her brother

'She writes like her brother talks.'

16) As scientists have long predicted, the earth's atmosphere is heating up gradually.

17) ...*ja muhtimin fas olmmoš vásiha losit áiggi*
and sometimes again human experience.3SG tough.CMPV time.GA

seammá láhkai go čakčaseavdnjat čáhpođahtta birra.

same like as autumn.darkness darken.3SG environment.GA

'...and sometimes one experiences tough times like when the darkness of autumn darkens the environment.'

همان‌گونه که در این بخش اشاره شد، مفهوم مقایسه از جهت تشابه می‌تواند در قالب ساختارهای متنوعی رمزگذاری شود. بر این اساس در بخش بعدی به تحلیل داده‌های زبان فارسی پرداخته می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها

در زبان فارسی مفهوم تشبیه می‌تواند در قالب ساختارهای متنوعی رمزگذاری شود. در این مطالعه، در یک تقسیم‌بندی کلی، انواع ساختارهای تشبیهی به جهت ساختاری در دو دسته ساختارهای ساخت‌واژی و ساخت‌های نحوی جای داده می‌شوند. منظور از نوع نخست ساخت‌هایی هستند که عمدتاً در قالب یک بند ساده ارکان اصلی نظیر، معیار، م. ش.، ن. م. (یا در برخی موارد پارامتر و ن. پ.) را در خود جای می‌دهند.

۴-۱. ساخت‌های تشبیهی ساخت‌واژی

گونه اول، ادات تشبیهی: کاربرد ساخت تشبیهی با ادات تشبیهی یکی از راهبردهای زایا در زبان فارسی می‌باشد. در این راهبرد ادات تشبیهی چون، مانند، عین، مثل، شبیه و غیره در جایگاه ن. م. ظاهر می‌شود:

(۱۸) الف. [من و ناظم] م. ش. عین ن. م. دو طفلان مسلم معیار بودیم. (مدیر مدرسه، ۱۹)

ب. نفس‌های تفته م. ش. مثل ن. م. خشت معیار شده بود. (کلیدر، ۳۸)

پ. اویم م. ش. مثل ن. م. برار معیار من است. (کلیدر، ۶۶)

¹ accord clause

² simile

³ Saami

در این‌گونه ساخت‌ها م. ش. و معیار هر دو حضور دارند و از آن‌جا که معیار به نوعی یک اسم عام (دو طفلان مسلم، خشت، برادری) برای مشارکین محسوب می‌شود، بنابراین مشارکین ویژگی یا صفت مورد مقایسه (پارامتر) را به صورت پیش‌فرض در ذهن خود دارند، به همین دلیل در بیش‌تر ساخت‌های تشبیهی پارامتر حضور آشکاری ندارد. به عبارتی دقیق‌تر، مشارکین پارامتر مظلوم‌بودن در مورد معیار (دو طفلان مسلم) و پارامتر سختی / سفتی در مورد معیار (ماه) و نزدیکی در مورد پارامتر (برار) را در ذهن خود دارند. گاهی نیز پارامتر در ساخت‌های تشبیهی با معیار عام مجال بروز دارد مانند روشن و کور در (۱۹):

۱۹ الف. همه‌جام. ش. مثل.ن. م. شیرمعیار روشن پارامتر بود. (گدا، ۷)

ب. مردم. ش. مثل.ن. م. موشمعیار کور شده‌اند. (کلیدر، ۵۲۰)

در خصوص ساخت‌هایی که در آن‌ها معیار گ. ا. خاص است نیز حضور و عدم حضور پارامتر مشاهده می‌شود. برای نمونه در مثال (۲۰) پارامتر بیان نشده و مخاطب آن را به صورت تلویحی از بافت برداشت می‌کند:

۲۰ اما من او را گرفتم چون (او) م. ش. شبیه.ن. م. مادرش معیار بود. (بوف کور، ۴۵)

در مثال‌هایی نظیر (۲۰) مشخص نیست که شباهت به جهت ظاهر است یا اخلاق، بنابراین تعبیر درست از ساخت مستلزم آن است که هر دو مشارک (گوینده / شنونده یا نویسنده / خواننده) دارای پیش‌فرض‌های مشترک باشند یا آن‌که همانند جمله (۲۱)، بتوان از هم‌بافت (بند متعاقب) به پارامتر مورد نظر پی برد که همان شباهت ظاهری (قیافه) است.

۲۱ چون (او) م. ش. شبیه.ن. م. توئه معیار، چون قیافه‌ش مامان منو یاد تو میندازه. (گذشته، ۳۸۲)

تمامی نمونه‌های (۱۸-۲۱) در قالب یک ساخت اسنادی بیان می‌شوند که در آن‌ها پارامتر محمول اصلی ساخت محسوب می‌شود. ساخت‌های تشبیهی می‌توانند در قالب بندهای ساده با فعل تام^۱ در نقش محمول اصلی جمله نیز بیان شوند:

۲۲ الف. (او) م. ش. مثل.ن. م. مردها معیار راه می‌رفت. (کلیدر، ۵۲۶)

ب. پول. م. ش. را دست‌نخورده چون. م. بت معیار بر فراز طواف‌گاه هستی خود نشانده‌اید. (دارالمجانین، ۲۰)

در برخی ساخت‌ها نیز معیار و م. ش. در قالب یک سازه واحد [معیار + م. ش.] بیان می‌شوند. در این حالت نیز ادات تشبیهی در جایگاه ن. م. ظاهر شده و ضمیر دو سویه (هم) نیز حضور دارد:

۲۳ الف. خیلی از [کلبه‌ها و ساختمان‌ها] م. ش. + معیار شبیه.ن. م. هم بودند. (دویست سال بعد، ۴۳)

ب. [طلا و نقره‌ش] م. ش. + معیار فرقی نمی‌کنه عین.ن. م. هم باشه فقط. (رقص در غبار، ۲۴)

¹ full verb

در برخی بافت‌ها نیز ادات تشبیهی «مانند» از حالت اضافه خارج شده و به یک پایه اسمی منضم می‌شود. تا جایی که نگارندگان بررسی کرده‌اند چنین ترکیبی تنها با ادات تشبیهی «مانند» یافت شد و در مورد دیگر ادات تشبیهی مثالی در پیکره موجود نبود.

۲۴) الف. آدم مرتبی بود. اداری‌مانند. (مدیر مدرسه، ۲۱)

ب. یک روز در اتاق دفتر، شورا مانندی داشتیم که البته او هم بود. (مدیر مدرسه، ۱۸)

گونه دوم، ساخت‌های تشبیهی محمولی: در این ساخت‌های تشبیهی یک فعل در جایگاه محمول جمله قرار می‌گیرد که خود بیانگر تشابه است. برای نمونه در مثال‌ها (۲۵) به ترتیب فعل‌های رفتن، بردن، مانستن بیانگر قیاس شباهت بین دو گروه ارجاعی هستند:

۲۵) الف. (او) م. ش. دماغش رفته به دماغ آن پیرمرده معیار و حالت چشم‌هایش هم همینطور. (دخیل بر پنجره، ۸۲)

ب. تره. م. ش. به تخمش معیار می‌برد حسنی به باباش. (شکر تلخ، ۴۷۳)

پ. در پیش جمال او دم طلاوس. م. ش. به پرزاع معیار مانستی. کلیله و دمنه^۱

ت. این فضا. م. ش. شادی را ایجاد کرده بود که بیش‌تر شبیه ن. م. به یک بازی معیار می‌مانست. (دویست سال بعد،

۸۱)

نجفی (۱۳۷۸) بر این باور است که فعل‌های آمدن، دادن، داشتن و یکی شدن به ترتیب در مثال‌های (۲۶) مبین مفهوم شبیه‌بودن (به کسی یا چیزی) یا ویژگی کسی یا چیزی را داشتن است:

۲۶) الف. ریخت و لباس‌های آن سه (مرد) م. ش. بیش‌تر به راننده‌های بیابانی معیار می‌آمد. (طوطی، ۱۴)

ب. با لباس‌های عاریه خود در آن جمع ناجور می‌نمودم، همه چیز من ناجور بود.... (من) م. ش. ریختم هم به

آن‌ها معیار نمی‌داد. (نامه‌ها، ۱۱۷)

پ. پیرمردی مازندرانی. م. ش. که سخت شکل ن. م. نیما (یوشیج) معیار است و بدخوراکی او معیار را دارد. (خسی

در میقات، ۸۶)

ت. قرار بود دیگر تو و منی را کنار بگذاریم و (ما) م. ش. مثل ن. م. دو تا خواهر خوانده معیار با هم خانه یکی و سفره

یکی باشیم. (شکر تلخ، ۵۲۹)

در خصوص مثال (۲۶) باید توجه شود که چنین ساخت‌هایی (با فعل یکی شدن) در مطالعاتی نظیر هسپلمت

(۲۰۱۷) و نجفی و رحیمیان (۱۴۰۰) به عنوان یک نوع از انواع ساخت‌های همسانی در نظر گرفته می‌شود مانند

مثال‌های (۲۷ و ۲۸) از نجفی و رحیمیان (۱۴۰۰):

۲۷) پدر و پسر یکی‌اند.

۲۸) (بلندی) قد افشین با بیژن یکی است.

¹ <https://www.vajehyab.com/dehkhod>

تفاوت ساخت‌های همسانی با فعل یکی‌شدن و ساخت تشبیهی با فعل یکی‌شدن در آن است که در نوع نخست هر دو گروه ارجاعی م. ش. و معیار به جهت داشتن میزان مشخصی از یک صفت یا ویژگی (پارامتر) با هم مقایسه می‌شوند اما در نوع اخیر (تشبیهی) دو گ. ا. به جهت داشتن پارامتر مشترک به یکدیگر تشبیه می‌شوند. به عبارتی دقیق‌تر مقایسه به جهت شیوه است نه اندازه.

گونه سوم)، حالت تشبیه: همان‌گونه که در بخش سوم نیز بدان اشاره شد، نوسه (۲۰۰۹) استفاده از تکواژ حالت تشبیهی را به عنوان یکی از راهبردهای بیان تشبیه مطرح می‌کند. در زبان فارسی می‌توان تکواژ «-وار» را به عنوان تکواژ حالت‌نمای تشبیه قلمداد کرد. در هر یک از مثال‌های (۲۹ الف و ب) تکواژ مذکور به پایه‌های اسمی یا صفتی چسبیده و بیانگر حالت تشبیه است:

۲۹ الف. خرگوش‌وار خپید و تن در گودالی فروغلتاند (کلیدر، ۱۵۷).

ب. دو نفر دیگر هم با او بودند. همه دهاتی‌وار؛ خوش قد و قواره. (مدیر مدرسه، ۲۷)

در دستور زبان فارسی پنج استاد علاوه بر «وار» پساوندهای (پسوند) شباهت دیگری مانند «سان» در مردم‌سان، دیوسان؛ «آسا» در پلنگ‌آسا، مه‌آسا:

پ. فغان زین مردمان وحشی آسا که نه قانون شناسند و نه یأسا (دستور پنج استاد، ۱۳۲)

همچنین «وُش و فُش» در ماهوش، حوروش و پریفش

ت. گوئی که نگون کرده است دیوان فلک‌وش را حکم فلک گردان یا حکم فلک گردان (دستور پنج استاد،

۱۳۳)

۴-۲. ساخت‌های تشبیهی نحوی

در این نوع ساخت‌ها یک گروه یا بند در جایگاه افزوده (قید) برای محمول بند اصلی یا کل بند اصلی قرار می‌گیرد و مفهوم مقایسه از جهت تشابه را رمزگذاری می‌کند. در ادامه انواع ساخت‌های نحوی معرفی خواهند شد. ساخت‌های گسیخته^۱ در این نوع ساخت‌ها یک گروه قیدی در جایگاه افزوده برای بند اصلی ظاهر می‌شود و مفهوم تشبیه را به ساخت اضافه می‌کند:

۳۰ الف. من هم پیاز دوست دارم، عین تو (که پیاز دوست داری).

ب. مثل همسرم (که قارچ دوست ندارد)، من هم قارچ دوست ندارم.

در مثال‌هایی مانند (۳۰)، ساخت گسیخته می‌تواند پیش (۳۰ ب) یا پس (۳۰ الف) از بند اصلی نمایان شود. نکته‌ای که در خصوص این نوع ساختار به چشم می‌خورد آن است که ادات تأکیدی «هم» در تمامی نمونه‌ها وجود دارد. البته فقدان ادات مذکور منجر به بدساختی ساخت‌هایی چون (۳۰ پ) نمی‌شود:

¹ disjunct

پ. من پیاز دوست دارم، عین تو.

اما در صورت حذف ادات تاکیدی «هم» از ساخت‌هایی که دارای ارزش نفی هستند (ندارم) ساخت اطلاعی جمله دستخوش تغییر می‌شود به گونه‌ای که می‌توان برابرنهاد (۳۰ج) را برای ساخت (۳۰ت) متصور شد:

ت. مثل همسرم، من قارچ دوست ندارم.

ج. من شبیه/ به اندازه همسرم قارچ دوست ندارم/ آن‌طور که همسرم قارچ دوست دارد، من (قارچ دوست) ندارم.

عبارت‌های نقشی^۱: این عبارات بیان‌گر نقشی هستند که مشارکین در قالب آن ظاهر می‌شوند و با ادات تشبیهی (مثل مادرت/ مثل پسر) نشان‌دار می‌شوند (هسپلمت و باخهولتز، ۱۹۹۸). بین این عبارات و مشارکین در بند اصلی یک وابستگی ارجاعی وجود دارد به این صورت که مشارک در بند اصلی می‌تواند گ. ا. در عبارت نقشی را تحت کنترل خود داشته باشد. در نمونه‌هایی چون (۳۱الف) کنترل از نوع فاعلی و در نمونه‌هایی چون (۳۲ب) از نوع مفعولی خواهد بود.^۲

(۳۱) الف. من این را به عنوان/ مثل مادرت از تو می‌خواهم.

ب. من این را مثل پسر می‌گویم.

بندهای تشبیهی، تشابهی و توافقی به جهت ساختاری شباهت زیادی به هم دارند و تنها برخی ویژگی‌های معنایی می‌تواند فصل‌میز آن‌ها باشد که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

بند تشبیهی: در این گونه ساخت‌ها، بندی که بیانگر مفهوم تشابه است در قالب «افزوده شیوه‌نما^۳» ظاهر می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، بند تشابهی که دارای صورت قیدی است بیان‌گر چگونگی یا شیوه انجام محمول بند اصلی است. این نوع ساخت تشبیهی دارای الگوی کلی «X به همان شیوه Y» است. برای نمونه در مثال (۳۲الف)، تاثیر دانش و تکنولوژی بر سلامت گیاهان به همان صورت یا شیوه‌ای عمل می‌کند که بر سلامت انسان. در این ساخت‌ها متمم‌نما (همان‌طور که، مثل، چون، همانند و غیره) در جایگاه ن. م. ایفای نقش می‌کنند.

(۳۲) الف. به کارگیری دانش و تکنولوژی بیورزونانس [همان‌طور که بر سلامتی انسان‌ها تاثیرات مثبت می‌گذارد/افزوده قیدی]، در سلامت گیاهان و جانوران و افزایش بازدهی آن‌ها نیز می‌تواند تاثیرگذار باشد (پیکره به روز شونده ۱۴۰۱/۷/۸).

ب. همان‌طوری که به تریاک عادت کرده بودم، همان‌طور به این گردش عادت داشتم (بوف کور، ۱۱).

پ. بعضی‌ها چشم‌شان را می‌بندند و شانس انتخاب می‌کنند، مثل برداشتن یک بلیت لاتاری (آینه، ۷).

¹ Role phrases

^۲ برای آگاهی بیشتر از عبارات‌های نقشی به (Creissels, 2014) مراجعه کنید. در پژوهش مذکور عبارات‌های نقشی با عنوان "functionives" بحث و بررسی می‌شوند.

³ manner adjunct

میزان وقوع این گونه ساخت‌ها در پیکره پژوهش حاضر بسیار کم‌تر از سایر ساخت‌ها بود. دلیل آن را می‌توان همسو با هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) چنین بیان نمود که این نوع ساخت‌های تشبیهی مستلزم برانگیختن موقعیت یا حالت مشابه دیگر هستند که گوینده نیز اغلب فرصتی (یا تمایلی) برای استفاده از این‌گونه ساخت‌ها ندارد زیرا می‌تواند به جای این ساخت‌ها از ساخت‌های ساخت‌واژی استفاده کند.

بندهای تشبیهی: بلیکسکی (۲۷۴: ۲۰۱۷) «تشابه^۱ یک ابزار بلاغی است که با برانگیختن احساسات مخاطب، پیام یا محتوای گزاره را برجسته می‌سازد. در ساخت‌های تشبیهی یک گزاره با گزاره‌ای دیگر به جهت وجود تشابه مقایسه می‌شود. اگرچه هر دو ساخت‌های تشبیهی و تشابهی دارای ساختار تقریباً یکسانی هستند، اما برخلاف بندهای تشبیهی که در ساختار آن‌ها بند/ گروه قیدی وجود داشت و بیانگر شیوه یا حالت بود، در بندهای تشبیهی، بند افزوده مبین «گزاره قیدی^۲» است (ساخت‌های تشبیهی ایتالیک هستند).

۳۳ الف. مچ دستم هنوز که به یاد آن می‌افتم می‌سوزد. انگار دور مچم یک النگوی آتشی گذاشته باشند. (زن زیادی، ۱۰۸)

ب. زری سرخانه می‌بافد مثل آن که از دستگاه‌های کاشان بیرون آمده است. (دارالمجانین، ۴۰)

پ. شکم خیک آرام آرام بر آمد مثل گاهی که قصابان به نی باد در پوست گوسفند کشته دمنند. (کلیدر، ۸۱)

بندهای توافقی: همان‌گونه که در بخش (۳) نیز بدان اشاره شد، هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸: ۳۲۰) بر این باورند که بندهای توافقی نوعی افزوده‌های منظوری هستند. به عبارت دیگر، آن‌ها نه در نقش توصیف‌گر بند اصلی بلکه در نقش توصیف‌گر گزاره بیان‌شده ظاهر می‌شوند و به قول تریز^۳ (۲۰۱۷) می‌توان آن‌ها را اظهارات فرازبانی^۴ در مورد محتوای بند اصلی در نظر گرفت.

۳۴ الف. مرد تاجر که فکر نمی‌کرد نتواند چیزی را نخرد، با اطمینان گفت: هر چه بخواهی، همان‌طور که خواهرانت گفتند. (تلخون، ۴)

ب. همان‌گونه که پیشبینی می‌شد، روند استقبال از سینما برای ۱۳ روز ابتدایی امسال، با رشد خوبی مواجه شد. (ایرنا ۱۴/۰۱/۱۴۰۱)

^۱ اگرچه در منابع ادبی از واژه «تشبیه» به عنوان برابر نهاد «simile» استفاده می‌شود، در پژوهش حاضر به منظور عدم التقای مفاهیم برای ساخت‌های «similative» به طور کلی، از برابر نهاد «تشبیه» و برای «simile» از برابر نهاد «تشابه» استفاده شده است.

^۲ propositional adverbial

^۳ Treis, Y

^۴ metalinguistic

همان‌گونه که کورتمن^۱ (۱۹۹۷: ۸۸) نیز بیان می‌کند، بندهای (عبارت‌های) توافقی در جهت تایید ارزش صدق یا همان میزان اعتبار محتوای بندی عمل می‌کنند که در جایگاه توصیف‌گر آن قرار دارند. برای نمونه این بندها می‌توانند منبع اطلاعات گوینده را مشخص کنند یا آن‌که بیانگر موافقت با عقیده شخص دیگر باشند. بنابراین در این گونه ساخت‌ها می‌توان افعال بیانی^۲، ادراکی^۳ یا شناختی^۴ را مشاهده کرد^۵. به علاوه، تحلیل داده‌ها مؤید آن است که در ساخت‌های تشبیهی نحوی وجود ادات تشبیهی الزامی است و با حذف آن ساختار یا مفهوم جمله دستخوش اشکال خواهد شد.

جدول ۱.

ساخت‌های تشبیهی در زبان فارسی

ساخت‌های تشبیهی در زبان فارسی	
ادات تشبیهی	م. ش. + ن. م. + معیار + (پارامتر) / در و دیوارش عین پوست گردوئه. پارامتر یا معیار در جایگاه محمول
ساخت‌واژی	م. ش. + ن. م. + معیار + (پارامتر) + دماغش مثل تازی های شکاری بو را می‌شناسد. فعل تام
	[معیار + م. ش.] + ن. م. + ضمیر خیلی از کلبه‌ها و ساختمان‌ها شبیه هم بودند. دوسویه
محمول تشبیهی	م. ش. + معیار + ن. م. (پس‌افزافه) در اتاق دفتر، شورا ماندنی داشتیم.
	م. ش. + (ن. م.) + معیار + فعل تشبیهی رفتن، بردن، مانستن و غیره تره به تخمش می‌برد. بیش‌تر شبیه به یک بازی می‌مانست.
حالت تشبیهی	تکواژ تشبیهی: وار، آسا، وش و غیره یتیم‌وار نشسته بود. فغان زین مردمان وحشی آسا. گوئی که نگون کرده است دیوان فلک‌وش را.
گروه‌ها یا بندهایی هستند در نقش افزوده برای محمول یا کل بند اصلی ظاهر می‌شوند. نحوی	ساخت گسسته من هم پیاز دوست دارم، عین تو.
	عبارت نقشی بند تشبیهی من این را به عنوان / مثل مادرت از تو می‌خواهم. بعضی‌ها چشم‌شان را می‌بندند و شانس انتخاب می‌کنند، مثل برداشتن یک بلیت لاتاری
بند تشابهی	مچ دستم هنوز که به یاد آن می‌افتم می‌سوزد. انگار دور مچم یک انگوی آتشی گذاشته باشند.

¹ B. Kortmann

² speaking

³ perception

⁴ cognition

^۵ برای اطلاعات بیشتر تر پیرامون بندهای توافقی ر. ک به (Pierrard, 2008)

همان‌طور که دانشمندان پیش بینی می‌کنند دمای زمین هر روز بیش‌تر می‌شود.	الزما با ادات بند توافقی تشبیهی (ن. م.) همراه هستند.
------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------

۴-۳. دیگر ساخت‌های همسانی در زبان فارسی

هسپلمت (۲۰۱۷) در بین انواع اصلی از ساخت‌های همسانی که بر می‌شمرد به ساختی اشاره دارد که در آن علاوه بر سه جزء اصلی (م. ش.، پارامتر و معیار)، ن. پ. (یا همان نشانگر اندازه: ن. ا.) و ن. م. نیز وجود دارد مانند مثال (۳۵) از زبان لاتین.

35) *Claudia tam docta est quam Julius.*

[معیار Julius ن. م. how] is [پارامتر learned ن. ا. so] ش. م. Claudia

‘Claudia is as learned as Julius.’ (Haspelmuth, 2017: 13)

نجفی و رحیمیان (۱۴۰۰) معتقد هستند که چنین ساختاری در زبان فارسی وجود ندارد و نمی‌توان ساختی در زبان فارسی یافت که در آن همزمان ن. ا. و ن. م. وجود داشته باشد. در پژوهش حاضر در خلال بررسی داده‌ها به ساخت‌هایی برخوردیم که بیانگر مفهوم همسانی هستند و در ساختار آن‌ها به طور هم‌زمان ن. ا. و ن. م. وجود دارد. در مثال (۳۶) به قدری و مثل این‌که به ترتیب در جایگاه ن. ا. و ن. م. هستند:

(۳۶) گاهی اتاقم م. ش. به قدری ن. ا. تنگ پارامتر می‌شد مثل این‌که ن. م. در تابوت معیار خوابیده بودم (بوف کور، ۷۶). همچنین هسپلمت (۲۰۱۷) بر این باور است که مطالعات رده‌شناختی وی موید آن است که تمامی ساخت‌های همسانی در بر دارنده ن. ا. و ن. م. هستند و ساختی پیدا نمی‌شود که تنها ن. ا. داشته باشد و معیار بدون نشانگر ظاهر شود. همان‌گونه که در مثال (۳۷) مشاهده می‌شود ن. ا. (چقدر/ آن‌قدر) در ساخت وجود دارد اما ن. م. حاضر نیست. پارامتر (نفهم بودن) نیز تظاهر آشکار ندارد چون معیار گ. ا. عام است و پارامتر به صورت غیرمستقیم قابل استنباط است.

(۳۷) الف. من م. ش. حالا می‌فهمم چقدر ن. ا. خر معیار بودم. (زن زیادی، ۱۱۰)

ب. هرکس که آن‌ها را می‌دید فوراً می‌فهمید که خواهر و برادرند، آن قدر هم شباهت! (بوف کور، ۷۵)
بنابراین علاوه بر انواع ساخت‌های همسانی ارائه‌شده در نجفی و رحیمیان (۱۴۰۰) می‌توان دو نوع دیگر از ساخت‌های همسانی در زبان فارسی را نیز معرفی نمود:

جدول ۲.

ساخت‌های همسانی در زبان فارسی

ساخت‌های همسانی در زبان فارسی	
م. ش. + ن. ا. + پارامتر + ن. م. + معیار	گاهی اتاقم به قدری تنگ می‌شد مثل این‌که در تابوت خوابیده بودم.
م. ش. + ن. ا. + معیار	من حالا می‌فهمم چقدر خر بودم.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا ساخت‌های تشبیهی در زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج می‌توان چنین نتیجه گرفت که در زبان فارسی به طور کلی ساخت‌های تشبیهی بر اساس دو راهبرد ساخت‌واژی و نحوی رمزگذاری می‌شوند. در راهبرد ساخت‌واژی می‌توان قائل به سه گونه ساخت‌های تشبیهی با ادات تشبیهی، محمول تشبیهی و حالت تشبیهی بود. در سطح نحو نیز عبارت‌ها و بندهایی وجود دارند که در حکم افزوده برای بند اصلی مفهوم تشبیه را به کل ساخت اضافه می‌کنند و شامل ساخت‌های گسیخته، عبارت‌های نقشی، بند تشبیهی، بند تشابهی و بند توافقی می‌شوند. یکی از معیارهای ارائه تعمیم در مطالعات رده‌شناختی پیرامون انواع ساخت‌های تشبیهی بر اساس جایگاه عناصر در ساخت است. در این خصوص باید گفت که در زبان فارسی به دلیلی ماهیت ساخت سازه‌ای آزاد آن نمی‌توان ترتیب ثابتی برای عناصر تشبیهی قائل شد مگر در مورد جایگاه ن. م. و معیار؛ به این صورت که تمامی داده‌ها تاییدی بر این اصل هستند که ن. م. پیش از معیار قرار می‌گیرد مگر در ساخت‌ها تشبیهی با حالت تشبیهی که در آن‌ها تکواژهای تشبیهی پس از معیار به حالت پی‌بستی ظاهر می‌شود و همچنین ادات تشبیهی «مانند» که در سه نمونه ساخت تشبیهی به صورت پی‌بست به صفت/گروه اسمی اضافه می‌شود (اداری‌مانند).

همچنین می‌توان چنین ادعان داشت که در زبان فارسی گرایی کلی به سمت حذف ن. م. (ادات تشبیهی) در ساخت‌های تشبیهی ساخت‌واژی نوع اول و دوم وجود دارد و این یافته نیز همسو با یافته‌های هسپلمت و باخهولتز (۱۹۹۸) است. گفتنی است در خلال تحلیل داده‌ها با ساخت‌های همسانی مواجه شدیم که در آن‌ها هر دو ن. م. و ن. پ. وجود داشت و همچنین برخی ساخت‌ها تنها دارای (ن. پ.) بودند. این گونه ساخت‌های همسانی در پژوهش‌های پیشین مطرح نشده بودند و در نتیجه می‌توان دو گونه جدید از ساخت‌های همسانی در زبان فارسی معرفی نمود.

گفتنی است منابع استخراج داده‌ها از کتابخانه الکترونیک طاقچه^۱ است و شامل این آثار است: تلخون، ماهی سیاه کوچولو و پوست نارنج از صمد بهرنگی؛ قفس و عدل از صادق چوبک؛ آینه و کلیدر (جلد اول و دوم) از محمود دولت‌آبادی؛ اورازان، مدیر مدرسه، جشن فرخنده، گناه، بچه مردم، لاک صورتی، سنگی بر گور، گنج، نفرین زمین و زن زیادی از جلال آل احمد؛ چشم در برابر چشم و گدا از غلامحسین ساعدی؛ ماهی و جفتش از ابراهیم گلستان؛ دارالمجانین، جاودان و فارسی شکر است از محمدعلی جمالزاده؛ لکه‌ها از زویا پیرزاد، زنده به گور، سه قطره خون، مرگ و بوف کور از صادق هدایت؛ شهر کوچک ما از احمد محمود؛ دویست سال بعد از حمیدرضا رضوانی اول، هفت فیلم‌نامه (رقص در غبار، گذشته، درباره‌الی، گذشته، چهارشنبه سوری، دایره زنگی و جدایی نادر از سیمین) از اصغر فرهادی.

¹ <https://taaghche.com>

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۴۵). *خسی در میقات*. تهران: نیل
- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۵۰). *صفت و نقش دستوری آن در زبان فارسی معاصر*. فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۷۷، صص. ۲۷-۳.
- ایمانی، آوا (۱۴۰۰). *تحلیلی رده‌شناختی از ساخت مقایسه‌ عالی در زبان فارسی*. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱۱۳(۱)، صص. ۱۶۳-۱۸۰.
- ایمانی، آوا (در دست چاپ). *طرح‌واره‌های ساخت مقایسه عالی در زبان فارسی*. جستارهای زبانی.
- چهل‌تن، امیرحسین (۱۳۵۷). *دخیل بر پنجره فولاد*. تهران: رواق.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- شهری، جعفر (۱۳۵۷). *شکر تلخ*. تهران: امیرکبیر.
- علوی، بزرگ (۱۳۵۷). *نامه‌ها*. تهران: امیرکبیر.
- فرشیدور، خسرو (۱۳۸۸). *دستور مفصل/امروز*. تهران: سخن.
- قریب، عبدالعظیم، جلال همایی، رشید یاسمی، ملک‌الشعراى بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی (پنج استاد)*. تهران: ناهید.
- معزى پور، فرهاد و پریسا نجفی (۱۴۰۱). *ساخت‌های تشبیهی و همسانی در لری سیلاخورى*. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱۴(۲)، صص. ۱۷۲-۱۵۳.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- نجفی، پریسا و جلال رحیمیان (۱۳۹۹). *ساخت‌های همسانی در زبان فارسی*. *زبان‌پژوهی*، ۱۳(۳۸)، صص. ۲۴۳-۲۶۴.
- نجفی، پریسا، رحیمیان، جلال و مهدیه رضایی (۱۴۰۱). *ساخت‌های همسانی در (ترکی) آذربایجانی*. *زبان‌پژوهی*، ۱۴(۴۲)، صص. ۱۷۱-۱۴۹.
- هاشمی، زکریا (۱۳۴۸). *طوطی*. تهران: روزن.
- Creissels, D. (2014). *Functive phrases in typological and diachronic perspective*. *Studies in Language* 38 (3): 605–647.
- Haspelmath, M & O. Buchholz (1998). *Equative and similitive constructions in the languages of Europe*. In Johan van der Auwera (ed.), *Adverbial constructions in the languages of Europe*, (pp. 277–334). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Haspelmath, M & the Leipzig Equative Constructions Team. (2017). *Equative constructions in world-wide perspective*. In: Treis, Yvonne & Vanhove, Martine (eds.) *Similitive and equative constructions: A cross-linguistic perspective*. (pp. 9-32). Amsterdam: Benjamins.
- Heine, B. (1997). *Cognitive foundations of grammar*. Oxford: Oxford University press.
- Kortmann, B. (1997). *Adverbial subordination: A typology and history of adverbial subordinators based on European languages*. Berlin: De Gruyter.
- Mace, J. (2003). *Persian grammar: For reference and revision*. London: Routledge.
- Mahootian, S. (1997). *Persian*. London: Routledge.
- Nose, M. (2009). *The expressions of comparative and similitive in Oceanic and non-Oceanic languages: A typological study*. *Language and Linguistics of Oceania*, 1, pp. 45–62.
- Nose, M. (2010). *A contrastive study of comparative constructions among English, Japanese, and Tok Pisin: by using corpora in cross-linguistic contrast*. In R. Xiao

- (ed.). *Using corpora in contrastive and translation studies*. (pp. 457-470) Cambridge scholars publishing.
- Pierrard, M. (2008). La comparative co-énonciative en 'comme'. *Langue Française* 159, 3: pp. 50-66.
- Stassen, L. (1985). *Comparison and universal grammar*. Oxford: Basil Blackwell.
- Treis, Y. (2017). Similative morphemes as purpose clause markers in Ethiopia and beyond. In: Treis, Yvonne & Vanhove, Martine (eds.) *Similative and equative constructions: A cross-linguistic perspective*. (pp. 91-142) Amsterdam: Benjamins.
- Ylikoski, J. (2017). Similarity, equality and the like in North Saami. In: Treis, Yvonne & Vanhove, Martine (eds.) *Similative and equative constructions: A cross-linguistic perspective*. (pp. 259-290). Amsterdam: Benjamins.
- <https://taaghche.com>
- <https://www.irna.ir/news/85071993>

